

بازیگری در پرتو ادراک حسی نقش

این روزها شاهد دو هنرنمایی از رضا کیانیان در تلویزیون و سینما هستیم و این فرصت به دست آمده تا ارزیابی مختصری نسبت به داشته‌های درونی این بازیگر داشته باشیم.



نگاهی به کارنامه کیانیان به بهانه اکران [#171;آزمایشگاه»](#); و [#171;راه طولانی»](#); بازیگری در پرتو ادراک حسی نقش

این روزها شاهد دو هنرنمایی از رضا کیانیان در تلویزیون و سینما هستیم و این فرصت به دست آمده تا ارزیابی مختصری نسبت به داشته‌های درونی این بازیگر داشته باشیم.

نقش آفرینی وی در مجموعه راه طولانی به خوبی وضعیت بغرنج آقا مرتضی را برای بیننده ملموس می‌کند و پدری را نشان می‌دهد که استیصالش در برآورده‌سازی خواسته‌های فرزندان و ناکامی‌اش در عمل به وعده‌ها او را در یک مسیر جدید می‌اندازد. مسیری که برای رسیدن به آنچه باعث تشفی خاطر فرزندانست هست حتی حاضر به انجام کاری می‌شود که با وجهه اجتماعی و شخصیتی که در طول سریال از وی دیده‌ایم تطابق ندارد. اضطراب و استرس آقا مرتضی در صحنه‌ای که به کلانتری می‌رود، لکنت زبانش، سردرگمی و گیجی‌اش و اشک‌ها و آه هایش همگی در بازی حسی و قوی کیانیان دارای نشانه‌های بارزی است و تأثیرات حضور بازیگران حرفه‌ای و کاربلد را در کیفیت یک اثر اثبات می‌کند. در آزمایشگاه نیز کیانیان نقش دکتر پاکزاد را ایفا می‌کند و آن بی‌خیالی و رهایی حسی خاصش در فضای تئاتری اثر و به‌ویژه در لحظه سخنرانی‌اش در تالار بیمارستان بسیار ملموس است.

با توجه به همین مقدمه اگرچه در بررسی کارنامه هنری رضا کیانیان با این حقیقت روبه‌رو می‌شویم که این بازیگر در رهیافت گیشه باور کنونی، تابشی ستاره وار از منظر کارکرد سودآوری مالی نداشته است اما عنایت به تجربه‌های ارزنده وی در سینما و تلویزیون این مسأله را نمایانگر ساخته که نقش‌های اجرایی توسط این هنرمند جدا از کوچکی و بزرگی دارای نقاط ثقل فنی بارزی است که شمایل و پرتره هنری کیانیان را در مکانیسمی از توانایی‌های حسی و تکنیکی در قالب‌هایی منسجم از فن بیان و گویش، بازی درست و به‌دور از غلو، بهره‌گیری مؤثر از اندام جهت بازتابش حالات درونی کاراکتر و در نهایت استقرار روح درونی نقش بر بستری از انسجام یافتگی بازی زیرپوستی و رخ‌نمایی ری‌اکشن‌های برون‌گرا برای شناساندن درست نقش برای مخاطب جلوه‌گر ساخته است.

در حقیقت اجرای منتظم و طبیعی این نقش آفرین برجسته سینما و تلویزیون نه تنها وی را در حصار یک گونه هنری قرار نداده و مرزهای شگرف هنر فنی‌اش را در محدوده‌ای از تابش‌ها و متدهای مستمر در یک ژانر محصور نکرده است، بلکه فرایند پالایش حسی-درونی در الگوی راهبردی بازی زیرپوستی و همچنین غریب تکنیکی مورد نیاز برای پرورش روح اجتماعی شخصیت، چنان در بازیابی پیکره نقش آفرینی‌هایش دارای جزئیات و ریزه‌کاری‌های متعدد است که مخاطب حرفه‌ای را در حیرت و تعجب ناشی از دقت و توجه بالای کیانیان در خلق و آفرینش هنری نقش قرار می‌دهد.

کیانیان از جمشید جعلی تا آقا مرتضی طیف گوناگونی از نقش‌ها را آفریده است که در هیچ‌یک از وجوه حسی یا روندهای تکنیکی خلق و بازنمایی روح و بدن کاراکتر، حتی شاخه‌ای تکراری از بینش، منش و روش زندگی در این زنجیره کلیدی از نقش‌های منحصر به فرد دیده نمی‌شود. به واقع این هنرپیشه با هر تیپ - کاراکتر منطبق بر ابزارهای حسی لازم برای پروردن و آفریدن روبه‌رو می‌شود و شیوه اجرایی‌اش را در کانالی همگرا با روح ژانر و اثر قرار می‌دهد و چنین است که توانایی درونی در خلق لحظه‌ها و برش‌های طلایی و مهم کاراکترهای گوناگون، کیانیان را به یک استاد بازیگری مسلم بدل ساخته است.

در زاویه‌ای دیگر کیانیان به‌عنوان بازیگری با پیشینه اجرا در فضای جان‌بخش و روح‌نواز تئاتر، خود را از محدوده نقش و کلیشه‌های رایج در اجرای آن فراتر برده و ذهن آفریننده‌اش به خوبی کاراکتر را در بینش مخاطب رسانه و از طریق توجه به هرم موضوعه‌ای چون گفتار، رفتار و پندار، جایگاهی پایدار می‌بخشد. از این منظر آنچه جمشید جعلی (سریال شلیک نهایی) را به یک ماندگاری نسلی و تداوم اجتماعی در رهیافت بینشی جامعه رساند مدل و سبک اجرایی کیانیان در بازتاب درست تردید، پریشانی، بی‌ارادگی و سوءظن جمشید در مواجهه با دیگران است و البته وجه مؤثر دیگری که این کاراکتر را در آن برهه زمانی به یک پایداری عینی در تفکر جامعه نزدیک کرد ساختارشناسی تأثیرات مدل موی جمشیدی در بینش اجتماعی مردم بود. نکته دیگر اینکه کیانیان نوعی جداسازی ساختارمند میان چارچوب‌های اجرایی هر نقش ایجاد می‌کند که تجربه‌هایش را در قالب‌هایی متغیر از لحاظ درونی و بیرونی قرار داده است و به‌ویژه این فاصله‌گذاری درست حسی در نقشی کلیدی چون سلحشور در فیلم آژانس شیشه‌ای نمایان‌تر است.

کیانیان در این هنرنمایی برجسته از خونسردی و آرامش به‌عنوان دو ابزار مؤثر جهت بازتاب میزان مهارت مامور امنیت و پیشینه

کاری‌اش بهره‌گرفته و جدل کلامی با حاج کاظم یا طنز کنایی خاصی که در مواقع لزوم از جمله در سکانس ورود به آژانس و از طریق خطاب قراردادن حاج کاظم با عنوان حاج آقا مربی به‌عنوان شاخصه‌ای از پشتوانه عملیاتی‌اش نمایانگر می‌سازد نشانه‌ای درست در تحلیل توانایی‌های فنی این هنرمند به شمار می‌آید. از وجهی دیگر آنچه کارنامه این بازیگر را دارای نقاط ثقل زیادی کرده، تسلط کیانیان بر مرزهای مفهومی بازیگری و اجرای بدون اغراق و روان نقش‌های سینمایی و تلویزیونی منطبق بر همان حس و حالی است که از کاراکتر انتظار می‌رود و به‌واقع نزدیک‌سازی خود هنری نقش با خود واقعی بازیگر، نمایه‌ای در شناخت طبقه اجتماعی کاراکتر است که کیانیان در تجربه‌ای چون خانه‌ای روی آب از آن بهره‌گرفت. کیانیان در این اثر به خوبی درماندگی و گمگشتگی هویت در شمایل ویران و پرتشویش دکتر سپیدبخت را در سکانس‌های دیالوگ محور فیلم بازتاب می‌دهد و به‌ویژه در صحنه رویارویی دکتر با فرزندش در فرودگاه از طریق جمله کلیدی و مهمی چون «#171؛ چه دنیای بدی که من آخرین امید یک نفر باشم»؛ شرایط نابسامان و بغرنج این کاراکتر ویژه را منعکس می‌کند.

از وجه دیگر و با گذر از آثار شاخصی چون شلیک نهایی، سرنخ، آپارتمان، کیمیا، روبان قرمز، یک بوس کوچولو، صد سال به این سال‌ها، کیف انگلیسی، روزگار قریب، دوران سرکشی، بچه‌های خیابان، فرش باد، گاهی به آسمان نگاه کن، یک تکه نان، باغ فردوس پنج بعد از ظهر، یک مشت پر عقاب، خاک آشنا، ماهی‌ها عاشق می‌شوند و همیشه پای یک زن در میان است با وجه دیگری از توانایی‌های کیانیان در مختارنامه مواجه می‌شویم که در پرتو گریم شاخص اسکندری و کارگردانی بارز داوود میرباقری نقشی ماندگار چون عبدالله بن زبیر را به جدول کاراکترهای ماندگار آثار تاریخی اضافه نمود. کیانیان این شخصیت منفی ضدبنی هاشم را چنان در تفکر تحلیلی خود حل ساخت و به فرایند تابش حسی حالاتش نزدیک شد که مخاطب، ویژگی‌های فکری و رفتاری این فرد را از طریق تمرکز بر جزئیات تغییر حسی کلام و فراز و فرودهای آوایی بیان درک کرده و از طریق همراهی با ساختار بدیع مختارنامه به یک تحول بینشی منطبق بر حقایق تاریخی و برتافته از ارزیابی علمی وقایع صدر اسلام می‌رسد. و اکنون در پرتو سه دهه حضور ماندگار و قابل تامل در پرده نقره‌ای و تجسم خیال‌انگیز در آینه جادو، کشف معنای اصیل بازیگری از طریق رهگیری کارنامه هنری کیانیان امکان پذیر شده و شمایل حقیقی بازیگر آریایی تطابقی درست با قامت بلند بازیگری ایران یافته است.